

بررسی رابطه بین سازگاری درون سازمانی و توانمندی های زنجیره تامین در صنایع غذایی استان گلستان

جلال نیک فرجام

۱. کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، گرایش سیستم های اطلاعاتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی

آباد کتول، علی آباد کتول، ایران

Jalal.nikfarjam@gmail.com

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین سازگاری درون سازمانی و توانمندی های زنجیره تامین در صنایع غذایی استان گلستان بود. جامعه آماری در این تحقیق شرکت های تولیدی استان گلستان شاغل در صنایع غذایی می باشد. باتوجه به مطالب ذکر شده، تعداد نمونه به دست آمده از بین ۲۶۷ شرکت شاغل در بخش صنایع غذایی استان گلستان طبق فرمول تعداد ۱۵۸ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردید و پرسشنامه بین نمونه ها توزیع گردید. داده های تحقیق با روش کتابخانه ای و میدانی گردآوری شده و ابزار مورد استفاده پرسش نامه های استاندارد می باشد. پایایی پرسش نامه ها با استفاده از روش کرونباخ و روایی ابزار با روش محتوایی مورد تأیید قرار گرفته اند. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش آزمون های همبستگی با استفاده از نرم افزار لیزرل استفاده شده است. نتایج نشان داد که بین سازگاری درون سازمانی و توانمندی های زنجیره تامین در صنایع غذایی استان گلستان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: سازگاری درون سازمانی، توانمندی های زنجیره تامین، صنایع غذایی استان گلستان

مقدمه

از آنجائیکه محیط کسب و کار عصر اطلاعات فعلی رقابت شدیدی را در اخذ اطلاعات و دانش ایجاد نموده است، ضرورت دارد سیستم های اطلاعاتی سازمانها تا حد ممکن پیوستگی خود را حفظ کند و چنانچه بخواهند از هم جدا و به صورت جزیره های اطلاعاتی مستقل کار کنند اطلاعات مطلوبی از آنها نمی توان استخراج کرد. بسیاری از متخصصان T ابر این عقیده اند که تنها بخشی از اطلاعات سازمان در فرآیند های تصمیم گیری مورد استفاده قرار می گیرد، و بسیاری از آنها به علت فقدان متخصصان فن همچنان بی استفاده باقی می ماند. مانند گازهای ذیقیمتی که به علت فقدان امکانات با بی توجهی تصمیم گیران سالها بر سر چاههای نفت سوزانده میشوند. بنابر این هر ابزاری از IT که بتواند به سازمانها در جهت ممانعت از به هدر رفتن ارزشمندترین منبع آن کمک نماید، و در عین حال سازمان را در جهت حرکت از حالت وظیفه گرائی سنتی به سمت فرایند گرائی یاری کند میتواند در بهبود روشها و افزایش بهره وری منابع سازمان موثر واقع شود. رشد غیر قابل پیش بینی فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه های گذشته که با تکیه بر توسعه صنایع مختلفی از جمله الکترونیک، کامپیوتر، مخابرات و ... صورت گرفته، بر جنبه های مختلف عملکرد سازمانها تاثیرات شگرفی داشته است [1] همزمان با این تغییرات، محیط فعالیت سازمانهای مختلف پیچیده تر شده و به همین جهت نیاز به سیستمهایی که بتواند ارتباط بهتری بین اجزای مختلف سازمانی برقرار کرده و جریان اطلاعات را در بین آنها تسهیل کند، افزایش چشمگیری یافته است. این سیستمها که در مجموع به سیستمهای سازمانی Enterprise Systems (ES) معروف هستند، زمینه ای را فراهم آورده اند که مدیران بتوانند در تصمیم گیری های مختلف خود از اطلاعات مناسب در هر جا و در زمان مناسب استفاده نمایند [2]

یکی از عوامل موثر در بروز خلاقیت در سازمان، زمینه سازی و بستر سازی در جهت ایجاد فرهنگی است که در آن کارکنان در تلاش برای رشد استعدادها و بروز داشته های ذهنی خود برآیند تا با تاثیر پذیری و تاثیر گذاری بر افکار یکدیگر و تکمیل ایده ها بتوانند پیشرفت سازمان متبوع و در کل به پیشرفت جامعه کمک کنند. از شرایط لازم برای پدیدار شدن افکار نو، وجود آرامش در محیط سازمان برای تفکر عمیق کارکنان می باشد. خلاقیت هم به استعداد فرد و داشته های ذهنی افراد نیاز دارد و هم به محیط مناسب برای بروز این استعدادها وابسته است [3]

یکی از چالشهای مهم مدیران عصر حاضر در سازمانها عدم استفاده کافی از منابع فکری، توان ذهنی و ظرفیت های بالقوه منابع انسانی است. در اغلب سازمانها از تواناییهای کارکنان استفاده بهینه نمی شود و مدیران قادر نیستند ظرفیت های بالقوه آنان را بکار گیرند. به عبارت دیگر با اینکه افراد توان بروز خلاقیت و ابتکار بیشتری را دارند اما در محیط سازمانی به دلایلی از این قابلیتها به طور مطلوب بهره برداری نمی شود. اندیشمندان مدیریت تحول و بهسازی سازمان، توانمندسازی منابع انسانی را به عنوان یک راهبرد اثرگذار به عملکرد و بهسازی انسانی معرفی نموده اند و معتقدند که توانمندسازی منابع انسانی یکی از نگرش های عصر جدید است که امروزه توسط سازمانها به کار گرفته می شود و در واقع پاسخ به نیاز حیاتی مدیریت معاصر است. باتوجه به مطالب گفته شده، هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سازگاری درون سازمانی و توانمندی های زنجیره تامین در صنایع غذایی استان گلستان است.

پیشینه تحقیق

عیسی نخعی و سید محسن بیانی (۱۳۸۶) در این مقاله سعی می کنند که اثرات استراتژی به اشتراک گذاری اطلاعات را بر روی کارایی زنجیره تامین بررسی کنند. در ابتدا چهار استفاده کلی از استراتژی به اشتراک گذاری اطلاعات را در زنجیره تامین در حالی که یک محصول تولید می شود را بررسی می کنند:

(۱) استفاده از به اشتراک گذاری اطلاعات در حالتی که در هر مرحله از زنجیره تامین به صورت خیلی سریع از تغییرات تقاضا در مراحل بالای زنجیره تامین آگاه می شویم.

(۲) استفاده از به اشتراک گذاری اطلاعات در جایی که در هر مرحله اطلاعات کاملی از تقاضای مصرف کننده وجود دارد.

۳) نگهداری اطلاعات حاصل از به اشتراک‌گذاری اطلاعات به طوری که در هر مرحله سطح موجودی به میزان تقاضای سطوح بالاتر زنجیره‌ی تأمین وابسته است.

۴) انتقال اطلاعات حاصل از به اشتراک‌گذاری اطلاعات در جایی که انتقال اطلاعات در هر مرحله به سطح بالاتری از زنجیره‌ی تأمین وابسته است [4]

این نتایج نشان می‌دهد که به اشتراک‌گذاری اطلاعات کارایی زنجیره‌ی تأمین را به صورت کل هزینه‌های موجودی و کاهش تغییرات نرخ تقاضا بهبود می‌دهد، و همچنین استراتژی‌های مختلف زنجیره‌ی تأمین را مطالعه می‌کنیم و تأثیرات مختلف این تغییرات را بر روی کارایی اندازه‌گیری می‌کنیم و نشان می‌دهیم، که برترین حالت وقتی است که تغییرات تقاضا زیاد می‌باشد. سپس به اشتراک‌گذاری اطلاعات را به دو بخش تقسیم می‌کنیم که یک قسمت آن در سیاست به اشتراک‌گذاری اطلاعات تقاضا در شبکه‌ی توزیع استفاده می‌شود و بخش دیگر در سیاست به اشتراک‌گذاری اطلاعات موجودی در شبکه‌ی تأمین و تعیین این که استراتژی بهتر برای بهبود کارایی کلی در زنجیره‌ی تأمین و تولید بر حسب تقاضای مشتری در جایی که تغییرات تقاضا زیاد است کدام استراتژی است.

لاله حقیقت (۱۳۸۶) در مقاله خود می‌گوید در دنیای کنونی رقابت شدیدی برای تولید کالاها و ارائه خدمات به مصرف کنندگان به وجود آمده است. با توجه به مسأله جهانی شدن و تشدید رقابت بین شرکت‌ها و سازمان‌ها و هم‌چنین بالا رفتن انتظارات مشتریان از سازمان‌ها، نیاز به مدیریت بهتری در زنجیره تأمین احساس می‌گردد. از آن جا که امروزه دامنه فعالیت زنجیره‌های تأمین کالا و خدمات بسیار گسترده شده و مدیریت و اطلاع‌رسانی در چنین شرایطی به آسانی میسر نیست، ضرورت ایجاد یک سیستم اطلاعاتی یکپارچه که بتواند در کم‌ترین زمان و با حداقل هزینه امکان مدیریت بهتر این سیستم را به وجود آورد، مورد نیاز است. البته رشد روز افزون تکنولوژی اطلاعات می‌تواند در این امر یاری دهنده باشد. اطلاعات صحیح و به موقع نقش مهمی در تصمیم‌گیری مدیران دارد. لذا نقش تکنولوژی اطلاعات در مدیریت زنجیره تأمین به خوبی نمایان می‌گردد. در این مقاله ضمن بیان اهمیت فرایند اطلاع‌رسانی در زنجیره تأمین و مدیریت آن، به معرفی روش‌های یکپارچه سازی اطلاعات، عوامل مؤثر بر تبادل اطلاعات در این زنجیره و ضرورت به اشتراک گذاشتن اطلاعات در زنجیره تأمین به منظور عملکرد بهتر آن پرداخته می‌شود و فرصت‌ها و چالش‌های حاصل از بکارگیری تکنولوژی اطلاعات در مدیریت زنجیره تأمین و مدلی پیشنهادی جهت استفاده از تکنولوژی اطلاعات در این زنجیره بیان می‌گردد [5]

باتانگار (۲۰۱۸) طی تحقیقی فقدان نیروی انسانی ماهر نظام اطلاعات و متخصصان مدیریتی حرفه‌ای را به عنوان یک چالش بحرانی نظام‌های اطلاعات مدیریت در کشور‌های در حال توسعه دانست. [6]

مک‌لین و دی‌لون (۲۰۱۷) در تحقیق خود پیشنهاد می‌دهند که معیارهای سنجش کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی در شش طبقه اصلی دسته‌بندی شوند که عبارتند از: کیفیت سیستم، کیفیت اطلاعات، کاربرد در سیستم، رضایتمندی کاربر، تأثیر بر افراد و تأثیر بر سازمان. [7]

روش تحقیق

الف) از نظر هدف کاربردی چون نتایج تحقیق در جامعه تحقیق قابل استفاده است و در جوامع دیگر قابل آزمون است.

ب) از نظر روش: توصیفی، چون متغیرها در وضع موجود و بدون دستکاری تحلیل می‌شوند.

ج) از نظر سنجش: همبستگی، چون روابط بین متغیرها سنجیده می‌شود.

د) از نظری جمع‌آوری اطلاعات: میدانی (پیمایشی)، چون از جامعه نمونه می‌گیریم.

¹.Batangar

².mc lin diloun

روش گردآوری اطلاعات و داده ها

جهت گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای بررسی فرضیات تحقیق از پرسشنامه استفاده می‌شود (منابع اولیه). علاوه بر استفاده از پرسشنامه، از کتب، مقالات، پایان نامه‌ها، اینترنت و پایگاه‌های اطلاعاتی نیز به عنوان منابع ثانویه برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها استفاده شده است [8]

جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق شرکت‌های تولیدی استان گلستان شاغل در صنایع غذایی می‌باشد. از آنجا که مطالعه بر روی کل جامعه مستلزم هزینه بسیار بالا و عملاً غیر ممکن است، لذا مطالعه خود را بر روی بخشی از جامعه که به آن نمونه می‌گویند متمرکز می‌کنیم که برای این کار از روش‌های متعددی استفاده می‌شود.

نمونه و روش نمونه‌گیری

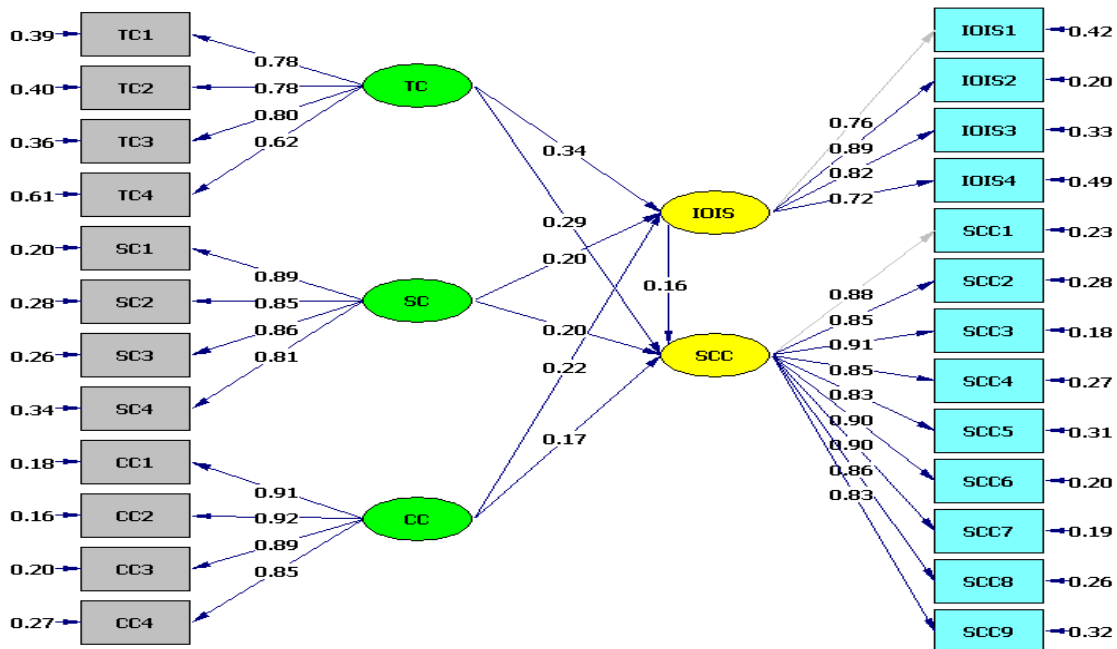
بنابراین از طریق روش‌های مرسوم نمونه‌گیری جوامع نامحدود باید استفاده نمود. یکی از این روشها استفاده از جدول مورگان می‌باشد. باتوجه به مطالب ذکر شده، تعداد نمونه به دست آمده از بین ۲۶۷ شرکت شاغل در بخش صنایع غذایی استان گلستان طبق فرمول کوکران تعداد ۱۵۸ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردید و پرسشنامه بین نمونه‌ها توزیع گردید.

فرضیه‌ها تحقیق

- ۱- سازگاری فنی بر توانمندی‌های زنجیره تامین اثر دارد.
- ۲- سازگاری استراتژیک بر توانمندی‌های زنجیره تامین اثر دارد.
- ۳- سازگاری فرهنگی بر توانمندی‌های زنجیره تامین اثر دارد.

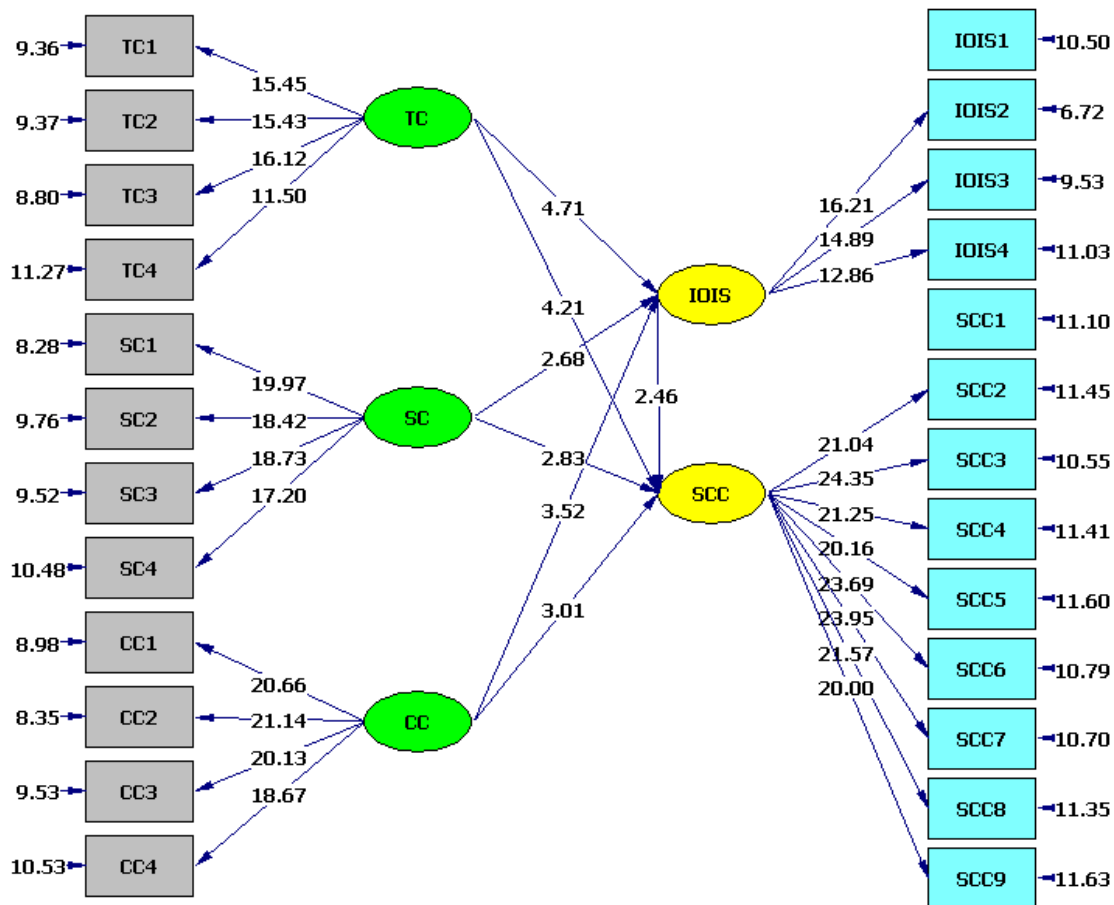
آزمون فرضیات تحقیق

در این قسمت به بررسی آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از نرم افزار Lisrel می‌پردازیم.



Chi-Square=630.34, df=265, P-value=0.00000, RMSEA=0.053

شکل-۱- مدل ساختاری تحقیق در حالت استاندارد



Chi-Square=630.34, df=265, P-value=0.00000, RMSEA=0.053

شکل-۲-مدل ساختاری تحقیق در حالت معناداری

برای برآورد مدل از روش حداکثر احتمال و به منظور بررسی برازش مدل از شاخص نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی ($\frac{\chi^2}{df}$)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل برازندگی (AGFI)، شاخص نرم شده برازندگی (NFI)، شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)، خطای ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) استفاده شد [9]

جدول ۱-نتایج رابطه مستقیم و ضرایب معناداری فرضیات مدل

مسیر	نشان	ضریب مسیر	معناداری	نتیجه آزمون
سازگاری فنی درون سازمانی --- توانمندی زنجیره تأمین	SCC---TC	0.29	4.21	قبول
سازگاری استراتژیک درون سازمانی --- توانمندی زنجیره تأمین	SCC --- SC	0.20	2.83	قبول
سازگاری فرهنگی درون سازمانی --- توانمندی زنجیره تأمین	SCC---CC	0.17	3.01	قبول

فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه ۱. سازگاری فنی بر توانمندی‌های زنجیره تأمین اثر دارد.

مطابق جدول شماره ۱ می‌توان گفت ضریب مسیر رابطه بین سازگاری فنی و توانمندی‌های زنجیره تأمین 0.29 است. آماره تی برای این ضریب نیز 4.21 است، بنابراین سازگاری فنی بر توانمندی‌های زنجیره تأمین اثر مثبت و معناداری دارد. لذا فرضیه پنجم تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه ۲. سازگاری استراتژیک بر توانمندی‌های زنجیره تأمین اثر دارد.

مدل برازش شده نشان می‌دهد مقدار ضریب مسیر رابطه بین سازگاری استراتژیک و توانمندی‌های زنجیره تأمین 0.20 است. آماره تی برای این ضریب نیز 2.83 است، لذا فرضیه ششم تحقیق نیز تأیید می‌شود. به عبارت دیگر سازگاری استراتژیک بر توانمندی‌های زنجیره تأمین اثر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه ۳. سازگاری فرهنگی بر توانمندی‌های زنجیره تأمین اثر دارد.

مدل برازش شده نشان می‌دهد مقدار ضریب مسیر میان سازگاری فرهنگی و توانمندی‌های زنجیره تأمین 0.17 است. از آنجا که مقدار تی برای این ضریب، 3/01 است، می‌توان نتیجه گرفت که ضریب بدست آمده معنادار می‌باشد. لذا فرضیه هفتم تحقیق تأیید می‌شود. به عبارت دیگر سازگاری فرهنگی بر توانمندی‌های زنجیره تأمین تأثیر مثبت و معناداری دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج آماری به دست آمده از آزمون‌های به عمل آمده از افراد و انجام تجزیه و تحلیل‌های مربوطه در مورد فرضیه اول تحقیق نشان داده است که سازگاری فنی تا چه اندازه در میزان توانمندی‌های زنجیره تأمین اثر دارد. این نتایج با پژوهش‌های مشرقی (۱۳۸۹) و صحرایان (۱۳۸۳) همسو می‌باشد. طبق نتایج بدست آمده می‌توان گفت ضریب مسیر رابطه بین سازگاری فنی و توانمندی‌های زنجیره تأمین ۰.۲۹ است. آماره تی برای این ضریب نیز ۴.۲۱ است، بنابراین سازگاری فنی بر توانمندی‌های زنجیره تأمین اثر مثبت و معناداری دارد. لذا فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود. سازگاری فنی تخصصی نقش بسزا و حیاتی در موفقیت شراکت تجاری در میزان توانمندی‌های زنجیره تأمین ایفا می‌کند. ایجاد رابطه میان سازمانی با یک شریک یا محدود شدن به چند معامله و تراکنش معدود مثل سفارشات حمل و نقل یا فاکتورها نسبتاً ساده است. اما رابطه با چند شریک اعم از چند معامله و انواع پروتکل‌های شبکه، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و شیوه‌های تجاری، شرایط را به فرایند پیچیده‌ای تبدیل می‌کند که با به وجود آوردن شرایط سخت‌افزاری و نرم‌افزاری یکسان می‌توان تأثیر مثبتی بر توانمندی‌های زنجیره تأمین داشت. نتایج آماری به دست آمده از آزمون‌های به عمل آمده از افراد و انجام تجزیه و تحلیل‌های مربوطه در مورد فرضیه ششم تحقیق نشان داده است که سازگاری استراتژیک تا چه اندازه در میزان توانمندی‌های زنجیره تأمین اثر دارد. این نتایج با پژوهش‌های نخعی و بیاتی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد.

طبق نتایج بدست آمده از مدل برازش شده نشان می‌دهد مقدار ضریب مسیر رابطه بین سازگاری استراتژیک و توانمندی‌های زنجیره تأمین ۰.۲۰ است. آماره تی برای این ضریب نیز ۲.۸۳ است، لذا فرضیه دوم تحقیق نیز تأیید می‌شود. به عبارت دیگر سازگاری استراتژیک بر توانمندی‌های زنجیره تأمین اثر مثبت و معناداری دارد.

نتایج نشان می‌دهد که به اشتراک‌گذاری اطلاعات کارایی زنجیره‌ای تأمین را به صورت کل هزینه‌های موجودی و کاهش تغییرات نرخ تقاضا بهبود می‌دهد، و همچنین استراتژی‌های مختلف زنجیره‌ای تأمین را مطالعه می‌کنیم و تأثیرات مختلف این تغییرات را بر روی کارایی اندازه‌گیری می‌کنیم و نشان می‌دهیم، که برترین حالت وقتی است که تغییرات تقاضا زیاد می‌باشد. سپس به اشتراک‌گذاری اطلاعات را به دو بخش تقسیم می‌کنیم که یک قسمت آن در سیاست به اشتراک‌گذاری اطلاعات تقاضا در شبکه‌ی توزیع استفاده می‌شود و بخش دیگر در سیاست به اشتراک‌گذاری اطلاعات موجودی در شبکه‌ی تأمین و تعیین این که استراتژی بهتر برای بهبود کارایی کلی در زنجیره‌ی تأمین و تولید بر حسب تقاضای مشتری در جایی که تغییرات تقاضا زیاد است کدام استراتژی است. نتایج آماری به دست آمده از آزمون‌های به عمل آمده از افراد و انجام تجزیه و تحلیل‌های مربوطه در مورد فرضیه هفتم تحقیق نشان داده است که سازگاری فرهنگی تا چه اندازه در میزان توانمندی‌های زنجیره تأمین اثر دارد. طبق نتایج بدست

آمده از مدل برازش شده نشان می دهد مقدار ضریب مسیر میان سازگاری فرهنگی و توانمندی های زنجیره تأمین ۰/۱۷ است. از آنجا که مقدار تی برای این ضریب، ۳/۰۱ است، می توان نتیجه گرفت که ضریب بدست آمده معنا دار می باشد. لذا فرضیه سوم تحقیق تأیید می شود. به عبارت دیگر سازگاری فرهنگی بر توانمندی های زنجیره تأمین تأثیر مثبت و معنا داری دارد. عدم وجود فرهنگ و دیدگاه مشترک مانع از روابط میان فردی موثر و ادغام زنجیره تامین ممانعت می کند. تفاوت های فرهنگی و سیستم های ارزشی ناسازگار عامل اصلی عدم موفقیت در ادغام محسوب می شوند. سازگاری فرهنگی لازمه شراکت تجاری موفق محسوب شده و مشخصه کلیدی است که شراکت تجاری بلند مدت را از توافقات کوتاه مدت متمایز می کند. از آنجایی که سازگاری فرهنگی موجب ترویج ارتباط موثر و تبادل دانشی شده که اهداف مشترک را تقویت نموده، سازمان های شریک مستلزم فرهنگ سازگار و سیستم های عملیاتی برای هر دو سازمان جهت دست یابی به مزیت رقابتی پایدار هستند. از این رو، سازگاری فرهنگی، استراتژیک و تکنیکی عوامل اصلی تعیین کننده عملکرد زنجیره تامین بشمار می آیند.

فهرست منابع

- [1] صادق پور، محبوبه، غلام پور، یوسف " بررسی مدل تعهد کارکنان و مؤلفه های یکپارچگی زنجیره تأمین بر عملکرد سازمانی گروه خودروسازی سایپا"، مجله نخبگان علوم و مهندسی، ۳(۴)، صص ۱۱۷-۱۰۰، ۱۳۹۷.
- [2] سرایی نیا، الهام. ایران راده، سلیمان. تقی زاده، هوشنگ و باقرزاده، مجید " توسعه مدلی جهت بررسی تأثیر آینده نگری پایدار بر یکپارچگی استراتژیک زنجیره تأمین با رویکرد خلق ارزش (مطالعه موردی: زنجیره تأمین ایران خودرو)"، فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، سال بیست و هشتم، صص ۳۹-۲۵، ۱۳۹۶.
- [3] Flynn, B.B., Flynn, E.J., "An exploratory study of the nature of cumulative capabilities", *Operations Management*. Vol. 32, 2004.
- [4] Qi, Y., Zhao, X., Sheu, C., "The impact of competitive strategy and supply chain strategy on business performance: the role of environmental uncertainty", *Decision Sciences*. vol. 42, no. 2, pp. 378-389, 2011.
- [5] Qi, Y., Huo, B., Wang, Z., & Yeung, H.Y.J., "The impact of operations and supply chain strategies on integration and performance. Intern", *Journal of Production Economics*, vol. 185, pp. 162-174, 2017.
- [6] Qrunfleh, S., Tarafdar, M., "Supply chain information systems strategy: impacts on supply chain performance and firm performance", *International Journal of Production Economics*, vol. 147, pp. 340-350, 2014.
- [7] Fan, Q., Xu, X. J., & Gong, Z. Y., "Research on Lean, Agile and Leagile Supply Chain", *International Conference on Wireless Communications, Networking and Mobile Computing*, vol. 1 no. 15, pp. 4902-4905, 2007.
- [8] Flynn, B.B., Huo, B., Zhao, X., "The impact of supply chain integration on performance: a contingency and configuration approach", *Journal of Operations Management* 28, 58-71, 2010.
- [9] Schoenherr, T., & Swink, M., "Revisiting the arcs of integration: Cross-validations and extensions", *Journal of Operations Management*, vol. 30 no. 1, pp. 99-115, 2012.